

## ضمیمه ۶:

# سرنوشت کار در آینده افق‌های جدید در مدیریت

در زمینه نگرش به آینده می‌توانیم به دو نظریه کلی اشاره کنیم:

- نظریه ماوراء توسعه یا توسعه خارق‌العاده و فزاینده یا (Hyper-Expansionism) HE
- نظریه بوم‌شناسی انسانی و معقول یا (Sane, Human, Ecological) SHE

(HE) توسعه فزاینده صنعتی	(SHE) توسعه انسانی و معقول
تاکید بر توسعه اقتصادی	تاکید بر توسعه انسانی
تاکید بر ارزش‌ها و اهداف کمی	تاکید بر ارزش‌ها و اهداف کیفی
اولویت سازمانی	اولویت انسان
مقید بودن انسان و منزوی شدن وی	آزادی و اختیار انسان و تفاهم او با دیگران
روابط قراردادی و رسمی	روابط متقابل و انسانی
تخصص‌گرایی	شایستگی‌های کلی
وابستگی به سازمان	اعتماد به خویش
تمرکز و گرایش به شهر	عدم تمرکز و دوری از شهر

- برخی تفاوت‌ها بین دو نظریه در مورد کار در آینده -

- براساس نظریه HE (ماوراء توسعه) در آینده ما شاهد گسترشی غیرقابل‌تصور در زمینه‌های فناوری، علوم و فنون خواهیم بود. کارها غالباً به‌صورت خودکار در می‌آیند و به‌وسیله متخصصان انجام می‌گیرند. ساعات کار کاهش می‌یابد، گروه‌های کمی کار می‌کنند و بسیاری از گروه‌ها مصرف‌کننده خدمات و تولیدات آنها هستند.

در نظریه HE آموزش و پرورش دو هدف را دنبال می‌کند: یکی آموزش فناوری‌های پیچیده به متخصصان و خبرگان فنی و دیگری آموزش مردمی که باید نحوه گذران زندگی را فرا گیرند. این آموزش‌ها مقطعی نیستند و استمرار دارند.

نظریه توسعه فزاینده بیشتر تحت تأثیر وضع فعلی دنیای صنعتی است و بسیاری از فرصت‌ها و امکانات بالقوه انسانی و اجتماعی را نادیده انگاشته است.

- براساس نظریه SHE (بوم‌شناسی انسانی و معقول) آینده در فناوری‌های شتاب‌دار خلاصه نشده و مسیر و جهت به‌گونه‌ای متفاوت است. در این نظریه بر ظرفیت انسان و آزادی و اختیار او تأکید می‌شود و جهت‌گیری‌های توسعه قبل از آن که در زمینه‌های دانش فنی باشد در زمینه‌های انسانی و اجتماعی و روح و روان آدمی است.

در نظریه توسعه انسانی، الگوی کلی کار دگرگون می‌شود و کارها در راستای ترجیحات افراد و شرایط و موقعیت آنان شکل می‌گیرند. کار و سرگرمی در هم می‌آمیزند و خانه و محله مراکز کاری می‌شوند.

در نظریه توسعه انسانی، هدف آموزش و پرورش توسعه ذهن انسان و گستره دایره بینش اوست. روش آموزش، بیشتر عملی است تا نظری و در محیط‌های حرفه‌ای افراد کار را از یکدیگر می‌آموزند.

نظریه توسعه انسانی در ادامه تحول نظام کار از دوران برده‌داری، ارباب و رعیتی، کارگر و کارفرمایی، دوران جدیدی را نوید می‌دهد که در آن، کار در خدمت دیگران نیست بلکه انسان کار را برای خود و در راستای اهدافی که طراحی کرده انجام می‌دهد.

بر اساس این نظریه، اقتصاد غیررسمی جایگزین اقتصاد فعلی خواهد شد. در اقتصاد غیررسمی، دیگر انسان برای دیگران کار نمی‌کند، بلکه برای خودش کار می‌کند و آزادی عمل و اختیار فراوانی برایش محفوظ است.

(از آنجاییکه در توسعه صنعتی، گروه‌های بانفوذ کوشیده‌اند تا به هر طریق این استنباط را برای افراد بشر به وجود آورند که برای ادامه حیات راهی جز استخدام و اجیرشدن وجود ندارد، تصور «خویش‌کاری (Ownwork)» یا کار برای خود کمی مشکل است. اما باید این توهم را در هم بشکنیم و به این باور برسیم که ایجاد نظمی نوین در کار ممکن است.)

در «خویش‌کاری» انسان با طبیعت هماهنگی بسیار دارد، از استقلال کاری برخوردار است و تاکیدش قبل از آن‌که بر توفیقات ظاهری و خارجی باشد بر موفقیت‌های درونی است. در خویش‌کاری، فناوری ساده است و در مقیاس کوچک جایگزین فناوری‌های پیچیده و غول-آسای امروزین خواهد شد و اقتصاد بخشی و منطقه‌ای جای اقتصاد جهانی را خواهد گرفت.

خویش‌کاری ممکن است اشکال گوناگون به خود گیرد. پاره‌کاری (کار پاره‌وقت)، کار جمعی و گروهی، کار داوطلبانه، فعالیت‌های سرگرم‌کننده و در عین حال مولد، استخدام‌های موقت و کوتاه‌مدت و ... و بدین جهت نقش پول و پرداخت در آن تغییر می‌کند و به اهمیت نقش پول در نظریه توسعه صنعتی نخواهد بود. در خویش‌کاری ارزش کار را با میزان پرداخت به آن نمی‌سنجند زیرا در درجه اول انسان برای خود و هدفی که خود طراحی کرده کار می‌کند و پول تنها عامل انگیزشی او نیست.

به هر حال نظریه توسعه انسانی و خویش‌کاری به‌عنوان یک نظریه علمی - تخیلی می‌تواند آغازگر مباحثی جدید و تامل و تعمق بیشتر در مدیریت باشد.